

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْعْلَى

مِنْ بَيْتِ الْبَيْتِ

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE2954

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و چون که از میان افروز و سعادت افروز که از میان افروز و سعادت افروز
 باو شاهزاده به نسبت کشور شهر بادرش بیرون فرماون آخرت فرمود و او
 و همش بر و زوار و فرزند و رحمت و خنده سیر مهر پیران روانی و
 ملکرانی پیشتر و او دوی و گیتی ستانی بانی میانی جهان بانی انسان
 بعین اعیان آفرینش مضر خرد روان کالید و انش و نفیض مریض
 و از کائنات فضائل این پسند گزین بر سر تختش ان لبسط مسلط حساب
 و از کتب سلطنت مکان و مکنش منور از ایمان و مکنش سرور
 زمان و زمین اشیات

<p>شایان خلافت به نامی لایق کبریا کسی بودن ۱۲ زو بود و خود جوید انسان هستی زو بود و خود جوید انسان آجری خواران چون</p>	<p>نیایا سیر بادشاهی سیر بادشاهی سیر بادشاهی سیر بادشاهی سیر بادشاهی</p>
--	--

ج اسلام و مرتی مسلمان بقوم ایمان و معنوی توحشین سایه پرورد
عظمی الهی نامزد وقت ازل آورد و شاهین بنای از سدا و آثارین
ای جامع صدین دنیا و دوی و دین نای ایسا

و این محسن خصایص و مصلحت
داد از جهان خان جهان
داد و اول دین و دامنش و در

[illegible]

[Faint handwritten notes or bleed-through from another page.]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

توضیحات کسی

در بعضی نسخ ایران
بعضی نگارنده و شش خط از
عبدالمین شریف پیوسته و غیره
کلام سابق از هم جدا شده است
بسیار عذر خود که بسیار حق
بسیار عذر دارد

۴

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
عذر سنان غریبه بود و در بعضی
از ایشان گفتند که این کتاب
شعبه است

پیش از این در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

بسیار عذر دارد و در بعضی نسخ
کتابان و از نسخه رها کرد
بسیار عذر دارد

الم
وكانت في سنة الف وستمائة
والثمان مائة والاربعين
والاربعة عشر من شهر ربيع
الاول سنة الف وستمائة
والثمان مائة والاربعة
عشر من شهر ربيع الاول

توقیات کبر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

کتابخانه ملی افغانستان
موسسه تحقیقات و نشر
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مجلس شورای اسلامی
روزنامه کیهان
شماره ۱۲۰۰
تاریخ ۱۳۰۵/۱۲/۱۲
صفحه ۱۲

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بنی از زمان برای جای بی خودی و بی خودی

بر خاست جاما بخوابست از آن مسجع کمال حضرت نصیحت سخن بقدا
او مرقون شده ^{۱۱} پیروز پیش و پیچیده ^{۱۲} از پیچیده ^{۱۳} انصاف دادن ^{۱۴} ^{۱۵} شده هم بران مهند از غیر میباید میشتی گشت و ریخت ملالت یافتگان
یاد بر خردم
مذلت با رقب که تقرب گزینان عرض بدایع و وقایع اند چون بیا
ما فرود آمدن ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰} ^{۱۰۱} ^{۱۰۲} ^{۱۰۳} ^{۱۰۴} ^{۱۰۵} ^{۱۰۶} ^{۱۰۷} ^{۱۰۸} ^{۱۰۹} ^{۱۱۰} ^{۱۱۱} ^{۱۱۲} ^{۱۱۳} ^{۱۱۴} ^{۱۱۵} ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰} ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^{۲۳۹} ^{۲۴۰} ^{۲۴۱} ^{۲۴۲} ^{۲۴۳} ^{۲۴۴} ^{۲۴۵} ^{۲۴۶} ^{۲۴۷} ^{۲۴۸} ^{۲۴۹} ^{۲۵۰} ^{۲۵۱} ^{۲۵۲} ^{۲۵۳} ^{۲۵۴} ^{۲۵۵} ^{۲۵۶} ^{۲۵۷} ^{۲۵۸} ^{۲۵۹} ^{۲۶۰} ^{۲۶۱} ^{۲۶۲} ^{۲۶۳} ^{۲۶۴} ^{۲۶۵} ^{۲۶۶} ^{۲۶۷} ^{۲۶۸} ^{۲۶۹} ^{۲۷۰} ^{۲۷۱} ^{۲۷۲} ^{۲۷۳} ^{۲۷۴} ^{۲۷۵} ^{۲۷۶} ^{۲۷۷} ^{۲۷۸} ^{۲۷۹} ^{۲۸۰} ^{۲۸۱} ^{۲۸۲} ^{۲۸۳} ^{۲۸۴} ^{۲۸۵} ^{۲۸۶} ^{۲۸۷} ^{۲۸۸} ^{۲۸۹} ^{۲۹۰} ^{۲۹۱} ^{۲۹۲} ^{۲۹۳} ^{۲۹۴} ^{۲۹۵} ^{۲۹۶} ^{۲۹۷} ^{۲۹۸} ^{۲۹۹} ^{۳۰۰} ^{۳۰۱} ^{۳۰۲} ^{۳۰۳} ^{۳۰۴} ^{۳۰۵} ^{۳۰۶} ^{۳۰۷} ^{۳۰۸} ^{۳۰۹} ^{۳۱۰} ^{۳۱۱} ^{۳۱۲} ^{۳۱۳} ^{۳۱۴} ^{۳۱۵} ^{۳۱۶} ^{۳۱۷} ^{۳۱۸} ^{۳۱۹} ^{۳۲۰} ^{۳۲۱} ^{۳۲۲} ^{۳۲۳} ^{۳۲۴} ^{۳۲۵} ^{۳۲۶} ^{۳۲۷} ^{۳۲۸} ^{۳۲۹} ^{۳۳۰} ^{۳۳۱} ^{۳۳۲} ^{۳۳۳} ^{۳۳۴} ^{۳۳۵} ^{۳۳۶} ^{۳۳۷} ^{۳۳۸} ^{۳۳۹} ^{۳۴۰} ^{۳۴۱} ^{۳۴۲} ^{۳۴۳} ^{۳۴۴} ^{۳۴۵} ^{۳۴۶} ^{۳۴۷} ^{۳۴۸} ^{۳۴۹} ^{۳۵۰} ^{۳۵۱} ^{۳۵۲} ^{۳۵۳</}

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

در بیان صفتها ۱۱ سبب اقامت کرامت با وجود در علم از ۱۲ اتم خصوصیات باور شایسته است ۱۳

و اینها را در بیان صفتها ۱۱ سبب اقامت کرامت با وجود در علم از ۱۲ اتم خصوصیات باور شایسته است ۱۳

بل عالی منزلت تر از طلوع و تشریح عبادت و ازین راه گفته اند
 که انصافه بالآخری طاعتشست و در طاعت بر ششم اقامت
 مراسم طاعت سیمیا و طاعت بر زبان رانده بمقتضای امر گیتی مطاع
 چند آنکه توان اقتدار و استقامتست بجا آورد و بندت تر
 سر انجام این امر محبت آغاز فرخنده فرجام از سبب فیاض مغنی
 امانت درین شغل خطیر استقامت نموده بر داشت این کار را که
 پرداخت آنگاه بر سبیل تکلیف از منجات اتمام این لغزنگاه سلجیا
 اقامت ^{۱۱} عجز است الهما نموده ارباب استعانت بوالا در گاه معاد
 بنامندگان که مباد و گریز نگاه مایند گاشت جل شانه کشود چاره مقول
 سما است که محمول ترجمه لغات از غفل و بخل مفوت و زلفت که
 خاصیت نقل عامه لغات است بیکدیگر امین باشد و بیان خیرین
 تواند بود که خصوصیتی چند از خواص سخن در بطایری هر لغتی
 از لغات خاصه کلام خاصان با آن منطوی میباشد که خطبات
 و تفسیر رس اهل بلاغت آن لغت با و بی پایه مسلح کمال آن
 نیا در رسیدنیا گرامر سیمیا و ادای نازک و انداز با
 بلند و قصه ای رسا و شاراست خفیه و تلمیحات دورا هنگامی که
 کاوشش اندیشه مبه جابرین آشنایان و در غرض آن ضعیف

توفیق است
 اینها را در بیان صفتها ۱۱ سبب اقامت کرامت با وجود در علم از ۱۲ اتم خصوصیات باور شایسته است ۱۳

اول در این شغل خطیر استقامت نموده بر داشت این کار را که
 پرداخت آنگاه بر سبیل تکلیف از منجات اتمام این لغزنگاه سلجیا
 اقامت ^{۱۱} عجز است الهما نموده ارباب استعانت بوالا در گاه معاد
 بنامندگان که مباد و گریز نگاه مایند گاشت جل شانه کشود چاره مقول
 سما است که محمول ترجمه لغات از غفل و بخل مفوت و زلفت که
 خاصیت نقل عامه لغات است بیکدیگر امین باشد و بیان خیرین
 تواند بود که خصوصیتی چند از خواص سخن در بطایری هر لغتی
 از لغات خاصه کلام خاصان با آن منطوی میباشد که خطبات
 و تفسیر رس اهل بلاغت آن لغت با و بی پایه مسلح کمال آن
 نیا در رسیدنیا گرامر سیمیا و ادای نازک و انداز با
 بلند و قصه ای رسا و شاراست خفیه و تلمیحات دورا هنگامی که
 کاوشش اندیشه مبه جابرین آشنایان و در غرض آن ضعیف

توفیق است
 اینها را در بیان صفتها ۱۱ سبب اقامت کرامت با وجود در علم از ۱۲ اتم خصوصیات باور شایسته است ۱۳

و اینها را در بیان صفتها ۱۱ سبب اقامت کرامت با وجود در علم از ۱۲ اتم خصوصیات باور شایسته است ۱۳

[illegible]

در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

استخبار و استعلام نماید تا اعلام شهر بار کمالی اهمیت آن که از
 راه و انشکی تحقیق خیر و شر و تمیز معرفت از مفاد و مکرده اول
 و لایح معرفت او باشد بر مقتضای معارف و احوال مشهور و بر کمیت
 و کیفیت دانش آنکس و احاطه اطلاع آن ضرور و بر هر موقع
 نیک و بد و موافقت خیر و شر و اگر بر تقدیر محمل با مری مینویسند
 که با احتمال و در بر شری از شهر و اشتغال داشته باشد امور و در
 باب استخبار و استخبار از اسباب آن اگر چه بیک راه ایجاد حاجت
 نمایند و از هر راه که و در و در آمده از معارفت پرش باز نیابند
 تا بجهتی مقبول که بدان سبب اتفاق آن امر معروف محوز آید باین
 نمایند اکنون ما چندی مواهم از مواهات و توفیقیات و در آنکه کما
 رسید فراهم آوریم و چون تا آنوقت که ما را این اندیشه فرا
 آمد چو یک از اینها از لغت معلومی بسیار شد عربی مترجم شده بود
 چند آنکه را ممکن بود آنها را نیز و کثیرین لفظی و شایسته ترین آنها
 بحسب اشتغال بر معنی و اقرب بنا بفهم سماع مترجم مفید و بالنتیجه
 التوفیق و از اول حصول التوفیقات الوقعیة الکسریة و تیه
 مرفوع هر چه عوام انبیا از و در گاه مشرعی و در خواه اهل
 باعث تکرار عطف از مردم گناهکار با وجود از تکالیف معاصی بی و در

توفیق کسری
 در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

در بیان این که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب
 از هر چه که در این کتاب

[illegible]

نیاید چراست نفوس نقیصه خورند از آن چگونگی نماید مرفوع به سبب
 پیراسته که سرعت زوال دنیا و فرط تنبها و فساد آن بر زبان
 بیان می رود و قویع بموجب آنکه دی درین زودی فرو بود و در
 نه ویرست که دی خواست گشت مرفوع ملکان زده و نری علی الملک نیز
 بسی از دهقانان را که در خواست صلح و عقار و دیو و دزدان و بی
 وجود تهرمت و آرد و قویع مجبور و در و غشور حد است مستور
 تمامی اراضی مذکور را از آن سست خرد و مسترد نمود و بار بار
 رونمایند و از املاک خاصه او آنچه در جنب اراضی آن ستمیدگان
 واقع بوده باشد سبب این امر موقوف از و استماع مغفوره و حلال
 و نزاع تملیک آنان نمایند تا این معنی سبب تادیب سایر مملکت و
 ستمایان خردان گرد و مرفوع عامل فلان صاحب مبلغ صد هزار
 از حلقه خزان خاصه بدولت حکم بر جای میخواست تا آن تقسیم نموده و قویع
 ارفع مضمون این فصل خیر تفصیل بدانند که این امر موقوف از و استماع
 فرمان بایرون نیست مناسب این است آنچه در عهد پادشاه گویا
 جلالت الدین اکبر پادشاه صاحبقرانی گویا قویع یافته چنانچه
 مشهور است که بعضی و امارت سائیدند که در میولا مشته

و در هر یک از این دو طایفه یک نفر است که در صورت لزوم در مقام رئیس آن طایفه عمل می نماید و در هر یک از این دو طایفه یک نفر است که در صورت لزوم در مقام رئیس آن طایفه عمل می نماید

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

تو چو جان کسری

[illegible]

میلاد و در روز چهارشنبه ۱۳۸۴/۰۵/۰۳
ساعت ۱۱:۳۰ صبح در محل برگزاری مراسم
دفترت ارشد و کلاسها را به رسمیت
توجه به این امر که در این روز

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب

داخل در شهر نانی اندر منازل مسلمه و مسلمانان خانه که در شهر
نباشد با وجود احتیاج بروستانی همانا نزد خود مسند و همی ادا نش
نداشته باشند هر فوج مزاج سالار می پندارد که از همی اطعمه و
اشربه اسخه ملک را بجا مان خوازش منمش زیاده است خویش را
از آن پیش باز میدارد و قریع منوار خود آست که خود
از اوقات میل بحر غروب طبع بگما بدرد تا از بداد و بداد بر طبعیت
است بے نیاز گرد و هر فوج فلان از نزد او نشون معلی است
اسلام خود به طعنه چهار هزار وینار ساکیانه از
جمع معلی اندیشه و داوران
دیوان عطارد خیر و انمار منوره می نماید که از دیوان
آمار ملک بطریق این مثال ناطق سلسله امضا قطعاً انهم
گفته و از آغاز جلوس میمون تا اکنون میرشته و
این اقطاع سرحد با اقطاع پیوسته و
فرمان نافذ به مقصد این مثال بخا وید مثال احمد اقطاع
حاری خود ۱۲ قادیان ۱۲ بدوین ۱۲ حاجت ۱۲
تا آنگه انهای سعادت یار با بنای کار برین مبنی بنا و از
انقباض او امر آبا می خواند و این فوج در نیولا امرو
شهر باری ۱۲ ملک ۱۲
و با سبانی شهر و دیار مرصه معالک مرصه کاروان

[illegible]

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible]

کرمی که در این دنیا
 از این دنیا بگذرد
 و از این دنیا بگذرد
 و از این دنیا بگذرد

غایت کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا

که چون بعد از ارتحال یوسف خان پدر یعقوب خان مژ پور مسانه اود
 انبار اعلاش مسانه از وفات به نقاشی انجامید و بدان سبب
 امر نیز از اجتماع با قراق و شوق العجا و خلاف و شقاق کشید و
 مدار کار بے پرکار او از مدار گذشت و موقوف خرقه که رنگی آن
 از احاطه دایره امکان بیرون بود بر رافغ فرخ گشت ناچار
 از مواسات تنگ آمد بر سر مرتبه جنگ رفت با جملة از طرفین
 اظهار مضمیر بر روی کار انداخته کینه خفته آشکار و خفته خفته میدار
 و در مابین بسی مخابرات وقوع یافت و اهل شقاق با انکار از ابطال
 رجال بودند بحکم احمر سجال کاه خاک و احتیاج مغلوب میشدند
 و چون یعقوب خان در مبد ر امر از وزیر خویش سبب سعایت او و
 بداندیش کمال فقره خاطر و تشویش اندیشه داشت و بعلت شقاق
 مشتق مغوس از حدیثی اتفاق آنروانه و فرزانة محروم و اویس
 شد چندانکه عاقبت از طرف غلبه توهم حیا از جادر آمده ازین دست
 وزیر سعاده تمهید را میمند فطر مند و چند گاه در بند مجوس نگذاشت
 میبرد فقه که عمر و جنگ برو تنگ میشد میدانت که اگر نایب آورد
 نباشد کیاره کار از دست میرد و از روی انتظار باطلان او بختی
 شده ایمان غلام و شد از اطلاق و اعتمادش بپایان می آورد

در این دنیا کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا

کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا

کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا

کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا
 کرمی که در این دنیا

این کتاب است که در
کتابخانه

۴۴ از ایشان نفسی را می‌بندد، از سر خود در میان مصائب و آفات قرار می‌دهد و از خود می‌گوید: این مصائب و آفات را من می‌بندم و از خود می‌بندم.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

اندکند فلان شخص از حق جل و علا تحقیق مایوس است تو قیوح
 آنست که او ت کین با اختیار خویش آثار سنگینی و قساوت نسبت
 بسایر عباد برآفت و وقت اعتبار ننموده و اینگونه ناسعادتمندی
 بشاید به شک و شبهه از امید بخشایش نام آنحضرت بی بهره باشد
 مرفوع از چه راه فرموده اند که بسبب تنویر آن کور عامه و در آن
 خاصه متصدیان و بوان مظلوم است که بیکان بیکان در محال
 احکام خود از بندگان جدا نشینند و در لواحق نشینند و از بندگان
 مردم سیاطالها مظلوم مانند نهند تو قیوح حقیقت این امر
 حقیقی آنست که از دین در امثال منظم موجب قطع طریقت
 و تحقیق اصول مورد ماله تحقق خود افعال کنه اعمال و باعث غلبه
 و غلبه قلوب و اقوال است مرفوع بجه دلیل در معرض بیاحتیاج
 بر زبان حقائق بیان آورده اند که بسبب خرومند است که هیچ
 دام فریب و غرور و درنده او آن و اشیاء خود را گذارد و در
 بسبب آنکه بر موجب و موجب رکافات بمنزل تحبث خود در آن مینشیند
 مرفوع در دنیا این اولم خسروی سوال میسماپند که شایان
 آنست که هنگام تفریق صلاحیت بر مردم بر فلان تفریق کلام
 نمایند انتی و نهین این ابهام آنکه هرگاه ابواب عطا یا این درگاه

توفیقات کسر علی

[illegible][illegible]

وہیبت الیہ نام
درود باد

فقد
مفعول به و متعلقه در وقت
مفعول به و متعلقه که گفته را با بارش
مفعول به و متعلقه از بارش
مفعول به و متعلقه از بارش
مفعول به و متعلقه از بارش

دوسرا دم داروں میں سے نہیں کہ جن کو یہ کہیں
ہو کہ وہ اس میں سے نہیں کہ جن کو یہ کہیں

یا صاحبزادے! اللہ اعلم
 تاریخ ۱۲ رجب المرجب ۱۰۸۰

Handwritten text in Persian script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

و لیسل انیم یعنی آنے نماند که خبر فرموده که قوام ملک دولت
بمحض فوراً اموال و کثرت جنود نیست ^{تو قیام بدین دلیل که با وجود}
اموال و جنود بدین و دانش محتاج اند چه این هر دو مشدود و موی
ملک اند انتی و قریب این قریع است که بادشاه با وجود حصول ^{علا}
و اموال همچو جه اند تحصیل بدین و دانش بر وجه کمال استقامت
چه این دو امر جلیل القدر و کسوس ممد انسانش که حافظ و صلح فرج
دولت اند از عرض مفاسد و موجب اعاده آن از بنیاد تزلزل
و اعوجاج بصلح ثبات و استقامت مرفوع بنابر مقتضای
اطاعت امر مطاع شهر یار و دیار یار ^{شخصی} و در کمر منو
وزیر که ابواب ستور آداب بحسب ظاهر مفتوح دارد و سوال می کند
فرمان عاایشان ^{بچه} منو صدور یابد ^{تو قیام} قریع فرمان ^{بچه} منو
انفاذ یابد که مهور وزیر را بهر وجه شود حال و مهور و عهده استقبال
در دانتن و کار بستن این معنیست که وزیر را بمنزله لباسهای ملک
اند که از خصوصیات آئین به نیک و بد خصائص ایشان قیاس می شود
انتی و تبیین این اعجاب آنست که پیراسته ظاهر وزیر نو و ارا
باطن بادشاه است زیرا که آداب کلی و خصائص ملکی که از لال سلطو
فلکی است چنانچه ^{در} منو و قریع که دار و گفتار و دستور

تو صفات کس
 باز نماند
 و نیکو نشسته
 از ما من شد
 ملک و دولت
 این امر فوج
 حکم اطلاع
 فرمودین
 در باب
 سپید و در
 از نیکو
 به برین
 که در همه
 و فدا ده
 آینه ها
 در این
 و کار
 است که
 و بار
 در دم
 و در
 و در

و استقامت و اعتدال شکوه و روش او باز نزدیک و دور
 حسن سلوک و سوز و سیاست ملکوت و بر موجب این قضیه
 گفته اند که بر وزیر و امانت واجب است که چند آنکه توانا باشد برای پادشاه
 مأموریت دین و دولت و حفظ صورت و نعمت ملک و ملت و دولت
 و باطن خویش را نماید تا بدین سبب و بنا و عقبی مساف و مسافیت باشد
 هر فرس و عجم موجب فرموده اند که لوازم شکرگزاری و شکر سپاسگزاری
 بسبب دفع انواع آفت و دفع افسا که کرده از موجدات نجات از دنیا
 بر دست هگی رعایا و بر ایما و موجب اینست و اوست از راه ملک
 مطلوب و اعطای مرغوب بدیشان و فرقی معطای تحقیق که
 درین قضیه آنست که از نتایج عطا وجود و ثمرات وجود ملک آنچه در
 ظاهر و باطن بجا لیان میرسد به اعتبار قدر و مقدار متناسب
 و محدود است و آنچه از آثار افضال و احسان آشکار و نهان
 باو نشان در ضمن بازداشت بکار و مصائب و نگرانی است
 پس سبب حراست و نوازش از نشان پادشاه وصول میاید و حسن
 ذاتی و ملکوتی و افضی حدی و نهایتی در نفس الامر ندارد و هر چه
 بموجب صدور که امین خیانت بر تو نظر غایت از فلان وزیر
 باز گرفته منزه از استقامت از پایه و الای و وزارت بالا از تلاش و نهفته اند

و استقامت و اعتدال شکوه و روش او باز نزدیک و دور
 حسن سلوک و سوز و سیاست ملکوت و بر موجب این قضیه
 گفته اند که بر وزیر و امانت واجب است که چند آنکه توانا باشد برای پادشاه
 مأموریت دین و دولت و حفظ صورت و نعمت ملک و ملت و دولت
 و باطن خویش را نماید تا بدین سبب و بنا و عقبی مساف و مسافیت باشد
 هر فرس و عجم موجب فرموده اند که لوازم شکرگزاری و شکر سپاسگزاری
 بسبب دفع انواع آفت و دفع افسا که کرده از موجدات نجات از دنیا
 بر دست هگی رعایا و بر ایما و موجب اینست و اوست از راه ملک
 مطلوب و اعطای مرغوب بدیشان و فرقی معطای تحقیق که
 درین قضیه آنست که از نتایج عطا وجود و ثمرات وجود ملک آنچه در
 ظاهر و باطن بجا لیان میرسد به اعتبار قدر و مقدار متناسب
 و محدود است و آنچه از آثار افضال و احسان آشکار و نهان
 باو نشان در ضمن بازداشت بکار و مصائب و نگرانی است
 پس سبب حراست و نوازش از نشان پادشاه وصول میاید و حسن
 ذاتی و ملکوتی و افضی حدی و نهایتی در نفس الامر ندارد و هر چه
 بموجب صدور که امین خیانت بر تو نظر غایت از فلان وزیر
 باز گرفته منزه از استقامت از پایه و الای و وزارت بالا از تلاش و نهفته اند

و استقامت و اعتدال شکوه و روش او باز نزدیک و دور
 حسن سلوک و سوز و سیاست ملکوت و بر موجب این قضیه
 گفته اند که بر وزیر و امانت واجب است که چند آنکه توانا باشد برای پادشاه
 مأموریت دین و دولت و حفظ صورت و نعمت ملک و ملت و دولت
 و باطن خویش را نماید تا بدین سبب و بنا و عقبی مساف و مسافیت باشد
 هر فرس و عجم موجب فرموده اند که لوازم شکرگزاری و شکر سپاسگزاری
 بسبب دفع انواع آفت و دفع افسا که کرده از موجدات نجات از دنیا
 بر دست هگی رعایا و بر ایما و موجب اینست و اوست از راه ملک
 مطلوب و اعطای مرغوب بدیشان و فرقی معطای تحقیق که
 درین قضیه آنست که از نتایج عطا وجود و ثمرات وجود ملک آنچه در
 ظاهر و باطن بجا لیان میرسد به اعتبار قدر و مقدار متناسب
 و محدود است و آنچه از آثار افضال و احسان آشکار و نهان
 باو نشان در ضمن بازداشت بکار و مصائب و نگرانی است
 پس سبب حراست و نوازش از نشان پادشاه وصول میاید و حسن
 ذاتی و ملکوتی و افضی حدی و نهایتی در نفس الامر ندارد و هر چه
 بموجب صدور که امین خیانت بر تو نظر غایت از فلان وزیر
 باز گرفته منزه از استقامت از پایه و الای و وزارت بالا از تلاش و نهفته اند

مرفوع فلان عامل بوجود عدم ابتلائی آفت گرمی
خود را همانا از روی عیله گرمی نباشند
اشتهار داده تو قمع آن مسکین را درین ماده
شقاوت زیاده اعمی شکیله نقل سامعه بر خوشیت
پسندیدن پسند ست و تا و م و نشانی و با وجود
اوب و اوف ۱۶ گاه کردن ۱۲
کمال نباشت در بلیه اطسار بلاست چو چو سفاست
تا پسند مرفوع فلان قاعده از طغیان ماده عصیان
زیاده بکشف قضا ع ترک طاعت قضاعت نیناید
بلکه نمایی خارج آهنگ است اراده یعنی وحشه روح
از پرده بیرون میشته آید قمع زمان ناهیه با نفا
ماشته آن نامزدان بر که سرشته طغیان شور
و شده است احدار یافت تابعت سر بر اهی
ساتیه پیرامه روان و ادومی تباهی گردد مرفوع
چون فلان نائب مهاذریون کاتب دیوان سرکار
بر سبیل تکرار از روی طلبیه بارور در گاه شیر یافته
ازین رو مهاذریون گرفته خاطر و پرگشته در ورون
می ماند قمع همانا مهاذریون و انامید اند که مردان

[illegible]

عَلَامَاتُ الْإِسْلَامِ
فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

همچو حصول آن باعمال خود او خیانت محال است و امیدواران را محال نشد
 بسبب همینکه در سراسر ایشان مبادا از ان اعمال شمارا برود و معنی
 عواقب و نتیجه آن بشمار است که تا در صورتی که در محال است
 باشد که علم مطعون که خوف سران آن شغل را که در وقت نیاز
 به آن شغل را در گذرد و معنی شایسته توان آن را به سبب احتمال خط
 خسته آن بفرموده آن شغل را که باره شغل از زبان آن مرد و مروج
 بجهت دلیل فرموده اند که ملک آن شغل ملک مال چون مخزن اموال
 خورشید را از وجود نمایند آنگاه سازند که با بعد از خود را از جرم
 انپاشیده باشند و قبح محبت آنکه بقا آمان بقا رعایت تنها
 بمقدار بقای حاجت باشد بدانان منتی متبیل این اندفع ابم
 تضییع آنست که کارفرمایان آن اعمال که خیانت در حق ایشان
 روا داشته اند بفرموده آن خائن چندان اتفاق کند که بدشال
 محتاج باشند و چون بی نیاز شوند هر دو را در هر وقت که از پیش
 این بدان آنست که چنانچه بدتی باید که هر دو در بعد و بیاید و آنگاه
 که اثر آن بدید آید همچنان عدم تأثیر تمام نمایند در مال و نفس و عاری
 بقا، آن بمقدار مدت نیازمندی باشد و تا آنگاه که وقت تمام
 از دور آید و در حال ثرو و فایز نماید مروج بجهت و فرمودند که فلا

چیم حصول آن با عمل خود از خیانت عمال امیدواران عمل متعبد
 بسبب بعیر و بی در سار و ایشان مبادا از آن اعمال شمارج گرد و معنی
 عموماً وقت خفته آن بشمار شریف فایده و در صورت نسخه عالی همان معنی
 باشد که علم سطوح که معرفت بسیار آن شغل که در هشتصد بار
 همان شغل را در گرد و معنی شایسته حوالی را با بسبب تبال مبادی
 آن بفرم آن شغل مبادا که باره شغل شغل از زبان آن در مرفوع
 به دلیل فرموده اند که مکلفان شغل ملک مال چون مخزن احوال
 بیشتر از آن در وجه نمایند آنگاه سازند گو یا بعد نای خود را از معوم
 پاشته باشند و قوی محبت آنکه بقا آنال بقا رعایت آنها
 انداز بقای حاجت باشد بدانان انتهی تمکین این نه فیع ابرم
 بین آنست که کارفرمایان آن اعمال که خیانت در حق ایشان
 داشته اند بفرموده مال آن چنانچان چند آن ابقا کنند که بدشای
 چ باشند و چون بی نیاز شوند هر دو را در معمرین وقت از معینه
 بدان آنست که غیا تخم بدتی باید که زهر و بر بده باشد یا آنگاه
 آن پدید آید چنان عدم تأثیر ترم خیانت در مال و نفس خایرج
 آن بمقدار مدت نیاز مندی باشد و تا آنگاه که وقت است
 در اندر حال ثرو و ظاهر نماید مرفوع سجده و فرموده اند که غلامان

متنبی که انبار اخبار و ابلاغ و قایم فلان است بدو موقوف است
 نباشد که درین زودی محتاج بدان نشود که دیگری در بارگاه نام
 او برده خبر او بفرستد و رساند و قایم ازین راه که طریق اخبار را
 میسود و ساخته می شود و معنی این توفیق آنست که صاحب آن به معنی
 متنبی مذکور از روی بیست رانی و کوه اندیشی از هر چه میسر شود
 و اعمال و امالی و احوال متعلقه مشغول چندان مسامحت و تساهل
 بکار برده و واحدی تقدیم خدمت ابلاغ اخبار را بنا خیر ندانسته که
 پیشرفت کار را بر خوشی تنگ گشته چنانچه رفته رفته مشغول
 شد و زمامدار اخبار آنکست انقطاع پذیرفته چنانکه کارش
 بدان مقام کشید که بجای متنبی دیگری باید تا مگر خبر او بدگاه و ابلاغ
 نماید مرفوع بکدام دلیل اکثر اوقات میفرمایند که ملوک و پادشاهان
 طرقت و ابواب محنت نمیدانند و راه سرعایا من جمیع الوجوه است
 توفیق بواسطه آنکه راههای آرای ملوک و پادشاهان را گنبد است
 بر وجهی ترقی بسیار صلاح و سودمند است نهایت رعیت نیز
 طاعت چیزی نیست آهی توجیهین توفیق است که طرق امور
 از روی تقدیر و کثرت وجوه تدبیر ملکی مالی و تشییع افسان محبات است
 رعیت بپای مانا غرضهای است و میل ملک عیال و ایا و ملوک

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

نور و بیاض شامسری

[illegible]

و کما سائر امور سلطنت با آنهاست که مستلزم رعایت و احاطت اوامر
 سلطانی قناعت نیست نه حال آنکه گرفتاری رعایا بکار پستکاری
 ایشان در عین تعجب گشتی و سنج بر داری و تکمل و بر داری مضطرب
 مثل نهاده حال و ذرائع اهل ملک نیست چه قیاس حال مانع بشمارند
 مع الفارق است نه ذرائع و لا ایشان بشمارند عده بدین قناعت
 از کجاست اینجا توقع عامه در کسب بسیار اند و همگی تشنگی بکار
 و بادشاهان یگانه و سبب نهاده و هر یک عادت منفرد اند صحبت خود و مردم
 قسب یافته میان بهیچ مردم بنگران و هم هر یک از ایشان شخصی بکار و
 و هم با امور ایشان و نیست و باقی نهاده و امور ایشان با وجود
 آنها با بقیه از تدابیر که در آن خوف تقصیر نیست بدین این توقع علی
 الاجمال است که گفته نام حسب عدد و بیشتر اند و با وجود این همه
 با هم مقصود هر یک گیر اند و همه کار و بادشاه با وجود کمائی در وقت
 جمیع مقصد او نیتهای خود را منقسم و بر آگند و ساخته و در تدبیر مهام
 و معنوی مردم و مقصد هر یک از بنگران برود و بیسر آید هرگاه
 مقصود ایشان بر آید و مقصد بای شکسته و بادشاه با اعتبار بیشتر
 پیوسته با اهتمام تمام با نظام سلطنت علی و انصرام مهام هر
 از بسته بفرجام رسیدنی نیست و بسره اندکی نه چنانچه درباره و

[illegible]

۱۴۰۰
 ۱۴۰۱
 ۱۴۰۲
 ۱۴۰۳
 ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵
 ۱۴۰۶
 ۱۴۰۷
 ۱۴۰۸
 ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲
 ۱۴۱۳
 ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵
 ۱۴۱۶
 ۱۴۱۷
 ۱۴۱۸
 ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰
 ۱۴۲۱
 ۱۴۲۲
 ۱۴۲۳
 ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵
 ۱۴۲۶
 ۱۴۲۷
 ۱۴۲۸
 ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۱
 ۱۴۳۲
 ۱۴۳۳
 ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵
 ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷
 ۱۴۳۸
 ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰
 ۱۴۴۱
 ۱۴۴۲
 ۱۴۴۳
 ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵
 ۱۴۴۶
 ۱۴۴۷
 ۱۴۴۸
 ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰
 ۱۴۵۱
 ۱۴۵۲
 ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵
 ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 ۱۴۵۸
 ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰
 ۱۴۶۱
 ۱۴۶۲
 ۱۴۶۳
 ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵
 ۱۴۶۶
 ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸
 ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰
 ۱۴۷۱
 ۱۴۷۲
 ۱۴۷۳
 ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵
 ۱۴۷۶
 ۱۴۷۷
 ۱۴۷۸
 ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰
 ۱۴۸۱
 ۱۴۸۲
 ۱۴۸۳
 ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵
 ۱۴۸۶
 ۱۴۸۷
 ۱۴۸۸
 ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰
 ۱۴۹۱
 ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳
 ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵
 ۱۴۹۶
 ۱۴۹۷
 ۱۴۹۸
 ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰

و در انام مسیح و تقیده از دفاق نیاست و ندای میرا وجود و افراط باقی
 نماند که گشت گرفت و گیر بر جوت تفریط و تقصیر آن قران گذشت
 مرفوع بچه و در باب فلان استکاف از جراحم و جنایات هفت
 عرض میرسد و قبول آن توفیق بینانید تو قمع نزد ما تحقیق
 پیوسته که پیش او صرف نقد جان غرضی در راه مانعایت نخواست
 و اینگونه برستاری که در کار و شبانته پیکار و نیزه باشد بدیدگاه یکدست
 و در خور و بدین پایه بشریت منرا و راسته مرفوع و در نخواستن
 هم پیش آگاهی بر موجب عفو بر لوانیم عسبان و طغیان اهل روم
 دارند تو قمع بدلات اظهار توبه و انابت و ظهور با ایا
 ند است و اعتراف صدر در غرامت که است ما در ضمن بخشایش
 بدیشان راه بخبرده مرفوع در میوای جمعی از اکابر بدرگاه والا
 آمده سپاس عنایت حضرت باری تعالی در ضمن حصول من امان
 و آرایش زمین و زمان بماس من عدان احسان شجر بارور شد زنده کرد
 در قننه و فساد و غفلت و کسیر حاکم و نمنان و دفع جور شتمگان
 بجای آمد تو قمع همانا بکنان میدراند که آنکه بر زمینیان بیک
 سبیل طاعت لایک و او اگر نیکو کارانم نموده بر لایک نیز صرف نهی
 مساعی خود در حراست ایشان واجب فرمود و بل در باب مباد
 ۱۴

تو قمع که
 در انام مسیح
 تقیده از دفاق
 نیاست و ندای
 میرا وجود و
 افراط باقی
 نماند که گشت
 گرفت و گیر
 بر جوت تفریط
 و تقصیر آن
 قران گذشت
 مرفوع بچه
 و در باب
 فلان استکاف
 از جراحم و
 جنایات هفت
 عرض میرسد
 و قبول آن
 توفیق بینانید
 تو قمع نزد
 ما تحقیق
 پیوسته که
 پیش او صرف
 نقد جان
 غرضی در راه
 مانعایت
 نخواست
 و اینگونه
 برستاری که
 در کار و
 شبانته
 پیکار و نیزه
 باشد بدیدگاه
 یکدست
 و در خور و
 بدین پایه
 بشریت منرا
 و راسته
 مرفوع و در
 نخواستن
 هم پیش
 آگاهی بر
 موجب عفو
 بر لوانیم
 عسبان و
 طغیان اهل
 روم
 دارند تو قمع
 بدلات
 اظهار توبه
 و انابت و
 ظهور با ایا
 ند است و
 اعتراف صدر
 در غرامت
 که است ما
 در ضمن
 بخشایش
 بدیشان
 راه بخبرده
 مرفوع در
 میوای جمعی
 از اکابر
 بدرگاه
 والا
 آمده سپاس
 عنایت
 حضرت باری
 تعالی در
 ضمن
 حصول من
 امان
 و آرایش
 زمین و
 زمان
 بماس من
 عدان
 احسان
 شجر بارور
 شد زنده
 کرد
 در قننه و
 فساد و
 غفلت و
 کسیر حاکم
 و نمنان
 و دفع جور
 شتمگان
 بجای آمد
 تو قمع
 همانا
 بکنان
 میدراند
 که آنکه
 بر زمینیان
 بیک
 سبیل طاعت
 لایک و او
 اگر نیکو
 کارانم
 نموده
 بر لایک
 نیز صرف
 نهی
 مساعی
 خود در
 حراست
 ایشان
 واجب
 فرمود و
 بل در
 باب
 مباد

چو در چرخ
 چو در چرخ

و در این خود از جمیع وجوه و حجابات بحمت حمایت و رعایت سپاه و رعیت بر مراتب و جوب افزوده اکنون باید که ما محتاجی نشان در وقتا
 ثبت نمایند تا بموجب جزای احسان یا احسان مکارفات آنها را نشان
 چنان بر وجه احسن بطور رسد مرفوع فلان عامل که در باره اقامه
 و الا به ملازمست در باره صادر شده مدتهاست که از عا کفایان و درگاه
 است در باب عرض حال او بر سبیل تکرار رفع حجاب آداب نموده و
 جواب نیافته و با انجالت که احوالش استقبالی و ابلاغ بدعای نموده و
 استقبالش بدالت مطالبی مقتضای حال است بر سر و مال و در
 اعلام بموجب انعام و درگاه و خواه می نماید و جمیع آن تباہ کار
 بشکام عمل عامه و خود رعایا و جنود بر ایا خاصه آنکه از جور گماشتگان
 او بجان آمده نزد او به تظلم می رسند بر درگاه خود و خوف و محبت
 نموده از اذن و دخول محروم و مایوس میباشند لاجرم مجرم این
 جرات و حکم و جوب جزای اعمالی مثال آن مثال عالی بنیو حقیقت یافت که
 چند آن در درگاه منکوب و محبوب بوده باشد که با او این کردار نابکار
 خود که نسبت زیر دستان خویش بعمل آورده از حجاب مکه زبردستان
 وی اندر یاد مرفوع خیر خوانان خواست آگاهی برین امر نشان
 دارند که در شب گذشته بر زبان مقرر مارگرفته که از فلان بفرست

و در این خود از جمیع وجوه و حجابات بحمت حمایت و رعایت سپاه و رعیت بر مراتب و جوب افزوده اکنون باید که ما محتاجی نشان در وقتا
 ثبت نمایند تا بموجب جزای احسان یا احسان مکارفات آنها را نشان
 چنان بر وجه احسن بطور رسد مرفوع فلان عامل که در باره اقامه
 و الا به ملازمست در باره صادر شده مدتهاست که از عا کفایان و درگاه
 است در باب عرض حال او بر سبیل تکرار رفع حجاب آداب نموده و
 جواب نیافته و با انجالت که احوالش استقبالی و ابلاغ بدعای نموده و
 استقبالش بدالت مطالبی مقتضای حال است بر سر و مال و در
 اعلام بموجب انعام و درگاه و خواه می نماید و جمیع آن تباہ کار
 بشکام عمل عامه و خود رعایا و جنود بر ایا خاصه آنکه از جور گماشتگان
 او بجان آمده نزد او به تظلم می رسند بر درگاه خود و خوف و محبت
 نموده از اذن و دخول محروم و مایوس میباشند لاجرم مجرم این
 جرات و حکم و جوب جزای اعمالی مثال آن مثال عالی بنیو حقیقت یافت که
 چند آن در درگاه منکوب و محبوب بوده باشد که با او این کردار نابکار
 خود که نسبت زیر دستان خویش بعمل آورده از حجاب مکه زبردستان
 وی اندر یاد مرفوع خیر خوانان خواست آگاهی برین امر نشان
 دارند که در شب گذشته بر زبان مقرر مارگرفته که از فلان بفرست

و در این خود از جمیع وجوه و حجابات بحمت حمایت و رعایت سپاه و رعیت بر مراتب و جوب افزوده اکنون باید که ما محتاجی نشان در وقتا
 ثبت نمایند تا بموجب جزای احسان یا احسان مکارفات آنها را نشان
 چنان بر وجه احسن بطور رسد مرفوع فلان عامل که در باره اقامه
 و الا به ملازمست در باره صادر شده مدتهاست که از عا کفایان و درگاه
 است در باب عرض حال او بر سبیل تکرار رفع حجاب آداب نموده و
 جواب نیافته و با انجالت که احوالش استقبالی و ابلاغ بدعای نموده و
 استقبالش بدالت مطالبی مقتضای حال است بر سر و مال و در
 اعلام بموجب انعام و درگاه و خواه می نماید و جمیع آن تباہ کار
 بشکام عمل عامه و خود رعایا و جنود بر ایا خاصه آنکه از جور گماشتگان
 او بجان آمده نزد او به تظلم می رسند بر درگاه خود و خوف و محبت
 نموده از اذن و دخول محروم و مایوس میباشند لاجرم مجرم این
 جرات و حکم و جوب جزای اعمالی مثال آن مثال عالی بنیو حقیقت یافت که
 چند آن در درگاه منکوب و محبوب بوده باشد که با او این کردار نابکار
 خود که نسبت زیر دستان خویش بعمل آورده از حجاب مکه زبردستان
 وی اندر یاد مرفوع خیر خوانان خواست آگاهی برین امر نشان
 دارند که در شب گذشته بر زبان مقرر مارگرفته که از فلان بفرست

این کتاب در بیان حقایق و اسرار
 الهیه و توحید و صفات
 حق تعالی و احوال
 ارواح و ملکوت و
 آخرت و غیره
 مؤلف
 میرزا محمد باقر
 قزوینی
 در شهر
 قزوین
 سن
 ۱۲۸۰

فرموده شد و محکوم و فرمان بر فلان که بشده با وجود
 بر و حاکم و فرمانده و ابوده توقیع بسبب تصدیق اعمال
 اوراست ساخته و بهت نظامیان از این امر غایب نماید
 توقیر این توقیع است که ولایت و ولایت پسین پستی پایه سرایه
 خود پرستی او شده و قلمت فراخ ملی بعد از کثرت شکست
 زیاده شدی و پرستی او گردیده چند آنکه بسبب کثرت
 قدرت و تنگی و حمله طاقت و طاعنای خود و کلا طاعت غنای
 باجست سرایه است غنا از ساخته لاجرم بجرم این جرات بفرمود
 و جوب تنبیه غافل محسوب او با علل باطل تجویز فرموده زیرست
 آن فرد بایر از بر دست او نموده ایم هر فرج عجب سبب
 معرض باین حقیقت حال مردم فرمودند که فلان نیکو محض است و از
 غایت مراتب غنایت و اعلی و درجات رعایت ماشده چنانکه
 فلان بد اختر مستحق سفل و رکابش بی لطفی و نامهربانی ما گردیده
 توقیع بسبب آنکه هر دو در رعایت مرتبه نصیحت بخشش به انتهای
 توضیح این بهام بدین وجه است که نزد ما تحقیق پیوسته که این
 آئین که خوابان دولت ما و دولت خوابان ماست و کمال تیر
 بهود و جوی و خیر تر بهی است و آن نفایز سرشت و راقصای میسر

این کتاب در بیان حقایق و اسرار
 الهیه و توحید و صفات
 حق تعالی و احوال
 ارواح و ملکوت و
 آخرت و غیره
 مؤلف
 میرزا محمد باقر
 قزوینی
 در شهر
 قزوین
 سن
 ۱۲۸۰

این کتاب در بیان حقایق و اسرار
 الهیه و توحید و صفات
 حق تعالی و احوال
 ارواح و ملکوت و
 آخرت و غیره
 مؤلف
 میرزا محمد باقر
 قزوینی
 در شهر
 قزوین
 سن
 ۱۲۸۰

خزیند و خوشنود سازند انجمنی با بحث و فوری اظهارن هرست
حدود آن سرزمین که معبستدین نمود و محوشت ترین ذابا ^{دوره ۱۰۰ ساله}
مشهور کشور ایران است کثرت احتیاج است به بسیاری
پاسلانیان چه آن محال در اخل مجموع طوائف نامعد و ده خور ^{دوره ۱۰۰ ساله}
و اعضا است به حساب سقلا ^{دوره ۱۰۰ ساله} و غیر اینهاست از
روم و روس و قاقاسی ^{دوره ۱۰۰ ساله} و آباء و چکرکین و مردم سفید
بلغار و ولایه و ماچار و اهل وشت و قفقاز و بلاجاسی و ^{دوره ۱۰۰ ساله}
و منکار و قومین ^{دوره ۱۰۰ ساله} و قبطان و گروه کردیان که کوهسار ایشان
بخستان را یکی مومنیست ^{دوره ۱۰۰ ساله} و طائفه غریبه اینها چون طوائف
یا حوج از حدیصر و عیسویان اند لکن اساتر نمازان و ده خاسمه ^{دوره ۱۰۰ ساله}
ملوک ایران با خراج آن ملکات اینهم ناخت و تاراج
این گروه جنگ گاه بانی و صورت نگا باشند این غنمه گاه
سست و چنانچه از مصلحتی آدمی روزگار گبان خوش ^{دوره ۱۰۰ ساله} در آن
تا آغا نمد ملک را و اگر نوشیه و آن آن سست ^{دوره ۱۰۰ ساله}
برگز از موازعی ^{دوره ۱۰۰ ساله} صد هزار مرد و کلامه در تمام
سلاح بیکم و کاست خالی نمے بود و نهایت
اهتمام ملوک ایران درین باب ^{دوره ۱۰۰ ساله} بمشایه بود

۱۲ قضاة و ۱۲ قضاة

[illegible][illegible]

و در آن روز که بزرگوارتر از این باشد استی و توجیه این توفیق که
 بهشتی است از حکم خود و همانا صدور آن در عفو آن است
 اتفاق افتاد چنانچه مضمون خاتمه توفیقات بر آن لالت دارد و بر هیچ
 تسلان نمود که چون عالمین وجودی و برکت جهان خود را با ابدان عالم
 و بر این خوشوقت و شادان بدستند و ما در مضمونی از شغل توبه و مکنه
 از عدم بر آنگذگی خاطر فرغ کلی حاصل باشد و این حالت همگی البسک
 طریق خوشوقت است چنانچه دلالت کند اگر چه هم این سوره و
 عالم خاص باشد همانا باشد مرفوع عظیم روم و رحمت
 آنروز روم در نوا از درگاه و الاور بابت خدیو اسیران آکشتور فرخنده
 می نمایند توفیق بجای هر دو تن از اسارای روم یک اس خیر
 دستاوند و چون چیل قبایل خدی از بد مال آن مدبر آن
 رروانده بر سر زانی بهار مخالفان مخالفت فرمان رروانده
 زمین و دستدار را آنگان ندانند مرفوع باعث توفیق آن جهان
 و اشباه ایشان از ایلی کشور خاور و شوم و حوالی آن بدقت توفیق روم
 و سکر رخنه اخذ و چه خواهد بود توفیق حکمت این تخصیص است که عداوت
 در آن عالم روم جهان و خیمه فطرت مردم خراسان و سرشت
 و نهاد اهل اطراف و اکثاف آن روز بوم تخمین شده اند
 فی الاطراف


این است که در این روز که بزرگوارتر از این باشد استی و توفیق که
 بهشتی است از حکم خود و همانا صدور آن در عفو آن است
 اتفاق افتاد چنانچه مضمون خاتمه توفیقات بر آن لالت دارد و بر هیچ
 تسلان نمود که چون عالمین وجودی و برکت جهان خود را با ابدان عالم
 و بر این خوشوقت و شادان بدستند و ما در مضمونی از شغل توبه و مکنه
 از عدم بر آنگذگی خاطر فرغ کلی حاصل باشد و این حالت همگی البسک
 طریق خوشوقت است چنانچه دلالت کند اگر چه هم این سوره و
 عالم خاص باشد همانا باشد مرفوع عظیم روم و رحمت
 آنروز روم در نوا از درگاه و الاور بابت خدیو اسیران آکشتور فرخنده
 می نمایند توفیق بجای هر دو تن از اسارای روم یک اس خیر
 دستاوند و چون چیل قبایل خدی از بد مال آن مدبر آن
 رروانده بر سر زانی بهار مخالفان مخالفت فرمان رروانده
 زمین و دستدار را آنگان ندانند مرفوع باعث توفیق آن جهان
 و اشباه ایشان از ایلی کشور خاور و شوم و حوالی آن بدقت توفیق روم
 و سکر رخنه اخذ و چه خواهد بود توفیق حکمت این تخصیص است که عداوت
 در آن عالم روم جهان و خیمه فطرت مردم خراسان و سرشت
 و نهاد اهل اطراف و اکثاف آن روز بوم تخمین شده اند
 فی الاطراف

این است که در این روز که بزرگوارتر از این باشد استی و توفیق که
 بهشتی است از حکم خود و همانا صدور آن در عفو آن است
 اتفاق افتاد چنانچه مضمون خاتمه توفیقات بر آن لالت دارد و بر هیچ
 تسلان نمود که چون عالمین وجودی و برکت جهان خود را با ابدان عالم
 و بر این خوشوقت و شادان بدستند و ما در مضمونی از شغل توبه و مکنه
 از عدم بر آنگذگی خاطر فرغ کلی حاصل باشد و این حالت همگی البسک
 طریق خوشوقت است چنانچه دلالت کند اگر چه هم این سوره و
 عالم خاص باشد همانا باشد مرفوع عظیم روم و رحمت
 آنروز روم در نوا از درگاه و الاور بابت خدیو اسیران آکشتور فرخنده
 می نمایند توفیق بجای هر دو تن از اسارای روم یک اس خیر
 دستاوند و چون چیل قبایل خدی از بد مال آن مدبر آن
 رروانده بر سر زانی بهار مخالفان مخالفت فرمان رروانده
 زمین و دستدار را آنگان ندانند مرفوع باعث توفیق آن جهان
 و اشباه ایشان از ایلی کشور خاور و شوم و حوالی آن بدقت توفیق روم
 و سکر رخنه اخذ و چه خواهد بود توفیق حکمت این تخصیص است که عداوت
 در آن عالم روم جهان و خیمه فطرت مردم خراسان و سرشت
 و نهاد اهل اطراف و اکثاف آن روز بوم تخمین شده اند
 فی الاطراف

CALL No. { ۸۹۱۵۵۲۲۸ } ACC. NO. ۲۹۵۲
 AUTHOR ۷۰
 TITLE توقعات کسریہ

۲۹۵۲
 ۷۰
 ۸۹۱۵۵۲۲۸
 توقعات کسریہ

Date	No.	Date	No.
-	-	-	-
-	-	-	-
-	-	-	-
-	-	-	-


MAULANA AZAD LIBRARY
 ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.